

جنجال بودجه‌ای دولت علیه مجلس با عذرخواهی خبرگزاری ایرنا به پایان رسید

پوزش کوچک برای دروغ بزرگ

پشت پرده تخریب مجلس انقلابی چیست؟

صفحات ۲ و ۳



پس لرزه‌های انتشار مشکوک فایل صوتی مصاحبه وزیر امور خارجه

با حکم روحانی علی ربیعی جایگزین حسام‌الدین آشنا در مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری شد

سرنخ ظریف!

۲۰ نفر ممنوع‌الخروج شدند

تیتراهای امروز

حادثه در مراسم یهودیان اردوکس در سرزمین‌های اشغالی ۴۶ کشته و بیش از ۲۰۰ مجروح بر جا گذاشت

رقص مرگ صهیونیست‌ها

۳ عنصر حکمرانی علوی در گفت‌وگو با آیت‌الله سیدجمال‌الدین دین‌پور

پرکاری، کارآمدی پاکدستی

واکسن خواری در شهرداری!

برخی مدیران و کارکنان شهرداری تهران نام خود را در لیست پاکبانان دریافت‌کننده واکسن کرونا قرار دادند

«دولت مبارزه با فساد و نفوذ تشکیل می‌دهم»

کاندیداتوری محسن رضایی

تعداد کل قربانیان ۷۱۷۵۸ نفر

۴۰۷

طی ۲۴ ساعت ۴۰۷ نفر از هموطنان بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند

نگاه

پشت پرده تخریب مجلس انقلابی چیست؟

علی هدایتی: به ائتلاف دولت، اصلاح‌طلبان، لیبرال‌های داخلی و ضدانقلاب در تخریب مجلس یازدهم دقت کرده‌اید؟ این موضوع بسیار تأمل‌برانگیز است. چرا از یک سال گذشته تاکنون یک عملیات روانی گسترده برای تخریب مجلس یازدهم از سوی این اضلاع شروع و در آستانه انتخابات تشدید شده است؟ چه منافع مشترکی میان اضلاع این ائتلاف، از نهاد ریاست‌جمهوری در خیابان پاسنور تهران تا دفاتر بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال در لندن و تلویزیون صدای آمریکا در واشنگتن‌دی‌سی وجود دارد که به صورت هماهنگ و بر اساس یک ائتلاف نانوخته، رسم‌الخط تخریب مجلس را نمودار می‌کنند؟ ماجرا چیست؟

یکی از دلایل اصلی این خط تخریب قاعدتا نقش محوری مجلس شورای اسلامی در تغییر محاسبات تصمیم‌ساز فعلی در کشور است. مصوبات اقتصادی مجلس برای توانمندسازی طبقات ضعیف، اصلاح نظام مالیاتی کشور و همین‌طور مصوبه دقیق و به‌موقع مجلس برای ایجاد موازنه هسته‌ای تغییر برآورد طرف آمریکایی از نظام تصمیم‌سازی در ایران و تقویت جایگاه تیم مذاکره‌کننده ایرانی، از جمله اقداماتی است که باعث می‌شود یک موج امیدواری در ایران درباره تغییر شرایط و بازگشت اعتماد به‌اثر گذاری ساختار جمهوری اسلامی، و مجموعه نشانه‌های تغییر ریل‌گذاری در ساختار تصمیم‌سازی در جمهوری اسلامی پدیدار شود. ائتلاف تخریب، هر کدام به فراخور منافع خود از ایجاد این روزنه‌های امید و تغییر ریل‌گذاری احساس نگرانی می‌کنند اما قاعدتا خطر اصلی برای آنها این است که این ادراک عمومی در جامعه ایران به وجود بیاید که مجلس انقلابی یک الگوی موفق برای گذار به شرایط مطلوب است. به عبارت ساده‌تر، اینها نمی‌توانند تحمل کنند در جامعه‌ای که یک نسخه داخلی با پرچم کارآمدی و مبتنی بر نگرش انقلابی و مدیریت جهادی برای بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی، مورد توجه و اقبال مردم قرار بگیرد. دلایل نگرانی این ائتلاف چندوجهی از توجه مردم به این مجلس و این راهکار گفتمانی نیز قابل تفکیک است.

۱- مشکل دولت و لیبرال‌های داخلی با این نسخه وطنی برای عبور از مشکلات فعلی این است که این نسخه از یک سو با نمودار کردن برخی امکانات و ظرفیت‌های داخلی و تصویب قوانینی برای فعال کردن این ظرفیت‌ها در سبب اقتصاد و معیشت، انگاره «نگاه به بیرون به عنوان تنها راه‌حل عبور از بحران معیشتی» را به محلق می‌برد و از سوی دیگر به واسطه قوانینی مانند «قانون راهبردی برای لغو تحریم‌ها» بر چسب و ...

ادامه در صفحه ۶

برائت‌صوری

اما عجیب بودن ماجرای توهमत این دولت آنجاست که دولت فعلی و همفکرانش، نه از تاریخ «تعامل ایران و آمریکا» درس و تجربه کسب می‌کنند- آمریکا در ایران کودتا کرد، از صدام حمایت کرد و ده‌ها سال است سیاست‌های بسیار خصمانه‌ای علیه ایران داشته و دارد- و نه حتی از بدعهدی‌های اخیر آمریکا و فرصت‌سوزی‌های مداوم پشت‌خمیه مذاکره‌ها دوندگان آن سوی مرزها، بازندگان درون مرزها حال اساسا این سوال مطرح است: چرا دولتی در انتهای یک ماهه کارش باید مبدع مذاکرات راهبردی باشد که در آستانه دولت بعد ممکن است نه تنها مورد تجدیدنظر قرار گیرد، بلکه به همان سرنوشتی دچار شود که تغییر دولت در آمریکا برای برجام رقم زد. پس نه داخل و نه خارج قاعدتا نباید به نتیجه این مذاکرات امیدوار باشند. پس ماجرای طرح دوباره مذاکرات و انتشار فایل صوتی در آستانه یک انتخاب جدید در خرداد ۱۴۰۰، چیزی جز یک تاکتیک فرار به جلو نیست و سه‌ضلعی مذاکرات وین، تأثیرگذاری بر انتخابات پیش رو و تزریق چاشنی دوقطبی میدان- دیپلماسی، همگی قطعات یک پازل برای فرار به جلو، توجیه ناکارآمدی فعلی و طراحی آینده شومی برای تکرار دوباره یک خطاست! استیلائی تفکر اعتماد به غرب برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی و... این تفکری است که هم «تدبیر نادرست» و هم «امید کاذب» به آینده ایجاد می‌کند.

در پیش گرفتند- تلاش می‌کند با «تدبیر» به زعم خود «مذاکره- تنش‌زدایی» و به «امید» گشایش اقتصادی برون‌مرزی، هم چرخ سانتریفیوژ را بچرخاند هم چرخ اقتصادا بر خلاف نگرش ساده‌اندیشانه آقای روحانی و مشاوران فکری‌اش که برجام را «چک نقد قابل وصول» فرصتی برای «تعامل بین ایران و آمریکا» ترسیم و خیال می‌کردند با اجرایی شدن این توافق، از این پس دولت‌های غربی و آمریکا در قامت یک شریک اقتصادی و حتی یک دوست با ایران درمی‌آیند! طرف غربی و آمریکا، «برجام» را نه «توافق برد- برد»، بلکه ابزار «جماع جهانی» علیه ایران و «بهار قدرت جمهوری اسلامی» در منطقه برمی‌شمردند. برجام برای طرف غربی و آمریکایی ابزار بر سر میز مذاکره نشستن ایران جدی می‌شود. آقای روحانی با توجه به فرصت مذاکره در پایان دولت آقای احمدی‌نژاد بحث مذاکرات با آمریکا پیش‌آمده، در انتخابات سال ۹۲ با همین گفتمان «دوگانه امنیت- اقتصاد» و کلیدی به نام «مذاکره»، تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد «وزارت امور خارجه و دستگاه دیپلماسی» قرار می‌دهد و با دادن اختیارات «فراقانونی» به شخص وزیر امور خارجه- تلاش‌های شخصی و جلسات متعدد دکتر ظریف و تیمش در اقصای نخبگان سیاسی و نظامی و دانشگاهی همه‌گویای آن است که وزیر امور خارجه و دستگاه دیپلماسی که تنها حقی را قبول کنند، نه‌آمی‌خواهد مذاکره کند تا یک حرف باطلی را تحمیل کند».

و اینگونه دوگانه سیاسی «ثروت ملی- قدرت ملی» و «امنیت- اقتصاد» به عنوان راهبرد اجرایی برای ارتقای منافع ملی کشور و رشد اقتصادی از اندیشه یک مرد تماما امنیتی- سیاسی، در «حزب اعتدال و توسعه» شکل می‌گیرد؛ حزبی که مهره‌های کلیدی آن اکثرا در گذشته خود تماما امنیتی بوده‌اند!

اما نگاه سیاسی و دوقطبی‌ساز «قدرت ملی- ثروت ملی» که در سال‌های دبیری آقای روحانی بر شورای عالی امنیت ملی در شخص ایشان و هم‌حزبی‌هایش شکل گرفته، چگونه سازوکار اجرایی آن هم در «قلب برجام» پیدا می‌کند؟! بهتر است برای پاسخ به این پرسش به اتفاقات بعد از سال ۸۸ و فضای «سیاسی- امنیتی» حاکم بر کشور بازگردیم. سال ۹۱ در پایان دولت آقای احمدی‌نژاد بحث مذاکرات با آمریکا جدی می‌شود. آقای روحانی با توجه به فرصت مذاکره

این راهبرد اما در ادامه با پرسش عجیب و دوقطبی‌ساز آقای روحانی اینگونه ادامه می‌یابد: «یکی از مشکلات ما در این ۲۷ سال ۲۷ نفر بوده که ما نتوانستیم در زمینه استراتژی ملی به اجماع نظر برسیم که یکی از مباحث مهم آن این است که آیا اولویت با ثروت ملی است یا قدرت ملی؟» و بعد در ادامه، آقای روحانی این پرسش را به دوقطبی «امنیت- اقتصاد» گره می‌زند و بیان می‌کند: «با می‌خواهیم فضای ایران در روابط بین‌الملل همچنان فضای امنیتی و سیاسی باشد یا روزی می‌خواهیم این فضا را به فضای اقتصادی تبدیل کنیم؟... بخش اقتصادی ما تا کی می‌خواهد برای بخش سیاسی و امنیتی یارانه پرداخت کند؟»

برجام از خیال تا واقعیت
 آقای روحانی در آیین گشایش همایش «راهبرد بهره‌برداري از ذخایر گازی کشور» سخنرانی با عنوان «قدرت ملی یا ثروت ملی؟» ایراد و مطرح می‌کند نگاه اساسی به منطقه خاورمیانه به خاطر منابع «هفت و گاز» می‌خواهیم فضای ایران در روابط بین‌الملل همچنان فضای امنیتی و سیاسی باشد یا روزی می‌خواهیم این فضا را به فضای اقتصادی تبدیل کنیم؟... بخش اقتصادی ما تا کی می‌خواهد پرداخت کند؟»

استنباه نکنید! این حرف‌های آقای ظریف در فایل صوتی منتشر شده نیست، بلکه صحبت‌های آقای روحانی در آیین گشایش همایش «راهبرد بهره‌برداري از ذخایر گازی کشور» در سال ۸۴ ظریف(!) که گفته است: «مطالب طرح شده نظر دولت یا رئیس‌جمهور نیست و اگر کسی میدان و دیپلماسی را مقابل هم بداند، حرفش دقیق نیست!» سوال اصلی این است که چرا این صحبت‌ها با صحبت‌های اخیر ظریف اینقدر به هم نزدیک است؟ ظاهراً آقای روحانی در این ماجرا تنها برائت صوری خود را نشان داده است و اظهار نظر و رویه آقای روحانی نشان می‌دهد خود او هم مثل ظریف به این دوگانه معتقد است.

یادداشت

فاطمه صابری: «یکی از مشکلات ما در این ۲۷ سال این بوده که ما نتوانستیم در زمینه استراتژی ملی به اجماع نظر برسیم که یکی از مباحث مهم آن این است که آیا اولویت با ثروت ملی است یا قدرت ملی؟... آیا می‌خواهیم فضای ایران در روابط بین‌الملل همچنان فضای امنیتی و سیاسی باشد یا روزی می‌خواهیم این فضا را به فضای اقتصادی تبدیل کنیم؟... بخش اقتصادی ما تا کی می‌خواهد پرداخت کند؟»

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پيامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲